

- ۵ آبان ۱۲۹۹ ش تشکیل دولت فتح‌الله خان سردار منصور سپه‌دار اعظم.
- ۲۶ بهمن ۱۲۹۹ ش آذر ۱۲۹۹ ش
- وزیرالسلطان حاکم سوادکوه و علی آباد.
- ژنرال آیرونساید در آخرین ملاقات خود با احمدشاه در معیت نورمن وزیر مختار انگلیس بسیار کوشید تا حکم فرماندهی قوای قزاق را برای عامل سیاست انگلیس (رضاخان میرپنج) از شاه دریافت کند، اما مواجهه با مقاومت سرسختانه احمدشاه شد و همان روز پس از صدور دستور حرکت قوای تحت امر رضاخان در قزوین، ابران را به مقصد بغداد و سپس برای شرکت در کنفرانس قاهره و جمع‌بندی اقدامات انجام شده در منطقه و طراحی سیاست آینده انگلیس ترک کرد.
- ۲۶ اسفند ۱۲۹۹ ش کودتای انگلیسی سوم اسفند یا طراحی ژنرال آیرونساید و اردشسیر ریپورتز و آلت فعل شدن رضاخان میرپنج و سید ضیاءالدین طباطبایی و ...

(۱)

حکم اعطای یک قطعه نشان درجه سرهنگی  
و حمایل آن به محمد اسمعیل خان باوند

بتاریخ شهر ربیع الاول مطابق سال فرخنده فاز تنگوزیل مرقوم می شود: [۱]  
چون عالیجاه مقرب الحضرت العلیه العالیه محمد اسمعیل خان از جمله شاگردان پیاده نظام  
فارغ التحصیل مدرسه مبارکه دارالفنون است محض لیاقت و شایستگی مشارالیه بر حسب  
امر قدر قدرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه باعطای یک قطعه نشان از درجه سرهنگی و  
یک رشته حمایل مخصوص آن مفتخر و سرافراز گردید. [۱] مقرب الخاقان لشکر نویسان  
عظام و مباشرین وزارت علوم شرح حکم نظامی لازمه را عمل نمایند فی شهر قوق  
۱۳۰۲- [ه. ق.]

[ظهر حکم]: محمد اسمعیل خان پیاده نظام، نشان و حمایل سرهنگی  
[دستخط وزیر جنگ و نایب السلطنه] ملاحظه شد  
[سجع مهر] کامران عبد شاه مهر سرور نایب السلطنه امیرکبیر<sup>۱</sup>

(۲)

فرمان امیر اعظم سپهسالار جنگ<sup>۲</sup> خطاب به صاحب منصبان نظام مازندران

نشان شیر و خورشید تاج  
وزارت جنگ  
اداره  
مورخه  
س

عموم سرکردگان و صاحب منصبان نظام با احتشام مازندران را مرقوم می شود.

چون بر حسب امر قدر قدرت اقدس همایون خسروانه ارواحنا فداه جناب امیرالامراء المعظام اسمعیل خان امیرتومان به ریاست قشون آنجا برقرار و با کمال استقرار و استقلال باید انتظام قشون ظفرنمون را کمابینگی فراهم دارد. لزوماً می نویسد که در هر موقع که استعدادی از سوار و پیاده و توپچی بخواهد که لازم باشد خدمت و اوامر دولتی را بموقع اجرا می گذارد محض اظهار و اطلاع باید در کمال انقیاد و اطاعت حاضر شده خدمت محوله را که از قبیل انتظام حدود و نفوس یا تنبیه و تدمیر اشرار است با جهدی وافی بعمل آورید و انجام خدمت را فرض ذمه خود دانسته وجهاً من الوجوه از صلاح و صوابدید مشارالیه انحراف و تخلف نورزید فی شهر محرم الحرام بیچی نیل ۱۳۲۶. [ه.ق.]

[ظفر فرمان]

ملاحظه شد

[رقم مهر بزرگ مربع شکل] سپهسالار امیراعظم جنگ

{۳}

فرمان واگذاری ریاست نظام و انتظامات قشون مازندران توسط  
سپهسالار اعظم امیرجنگ به محمد اسمعیل خان باوند (امیرتومان)

نشان شیر و خورشید و تاج

وزارت جنگ

اداره

مورخه

س

چون برای ریاست نظام و انتظامات قشون مازندران وجود شخص کافی کار آزموده لایقی لازم بود که از هر حیث قشون آنجا را در تحت نظم و ترتیب صحیح در آورده موجبات آراستگی آنها را کمابینگی فراهم سازد و جناب امیرالامراء المعظام اسمعیل خان امیرتومان که به وفور قابلیت و کمال کفایت معروف و از بدایت عمر در نظام مشغول خدمتگزاری است به رجوع این خدمت را در خور و سزاوار آمد.

علیهذا بر حسب امر قدر قدرت اعلیحضرت اقدس شهریاری ارواحنا فداه بموجب این حکم نظامی ریاست قشون مازندران را بمعهد کفایت فطری و جوهر ذاتی مشارالیه وا گذاشت... که جهد وافی و سعی کافی در نظم و ترتیب و آراستگی... و تصحیح عده نفرات

قشون آنجا بعمل آورده همه وقت آنها را حاضر و مہیای خدمت دارد. عموم سرکردگان و صاحب‌منصبان آحاد افراد نظام (۱) مشارالیه را رئیس بالاستقلال خود دانسته از صلاح و صوابدید او انحراف و تخلف جایز ندانند. [جنابان لشکر نویسان نظام شرح این حکم را ثبت نمایند.] شهر محرم الحرام پیچی ٹیل ۱۳۲۶. [۵.ق.]

[ظہر فرمان] ملاحظہ شد

[رقم مهر بزرگ مربع شکل] سپہسالار اعظم امیر جنگ

(۴)

فرمان محمد علی شاه قاجار مبنی بر اعطاء  
منصب سرتیپی بہ سیف اللہ خان باوند<sup>۱</sup>

چون بر ذمت ہمت والا نہمت ملوکانہ لازم فرمودہ ایم کہ فراخور خدمت ہر یک از خانہ زادان دولت جاوید آیت بذل مرحمت فرمائیم و مراتب لیاقت و خدمتگزاری معتمد السلطان سیف اللہ خان سرہنگ فوج سوادکوه پر امیر الامراء المعظام اسمعیل خان<sup>۲</sup> میرینچہ فوج مزبور و رشادتی کہ این ایام<sup>۳</sup> از او بمنصہ ظہور رسیدہ و جوہر ذاتی خود را جلوہ و بروز دادہ است موجب شمول مکارم خروانہ است. [علیہذا بر حسب استدعای جناب مستطاب اجل اکرم افخم قواماً للعزوالاقبال نظاماً للشوکہ و الاجلال فدوی خاص دولت مصون از زوال امیر جنگ<sup>۴</sup> کشیکچی باشی مشارالیه را منصب سرتیپی از درجہ یکم و اعطاء نشان و حمایل آن مفتخر و سرافراز فرمودیم کہ بیشتر از پیشتر بخدمتگزاری اشتغال ورزد.] مقرر آنکہ مستوفیان و لشکر نویسان عظام شرح فرمان مبارک را ثبت نمودہ در عہدہ شناسند.

سوم جمادی الثانیہ ۱۳۲۶

[ہمراہ با صحہ و مهر محمد علی شاه قاجار]

۱. سیف اللہ خان باوند پسر محمد اسمعیل خان باوند. ۲. محمد اسمعیل خان باوند.  
۳. اشارہ است بہ دوران محمد علی شاه، خصوصاً نقشی کہ در مقابلہ با بمبندازی تروریستہا و آدمکشہای قفقازی سرکردگی حیدر خان ناری وردیف بسوی محمد علی شاه، سیف اللہ خان دانستہ است.  
۴. حسین پاشا خان کشیکچی باشی قراباغی امیر بہادر جنگ.

(۵)

ملفوقه فرمان محمدعلی شاه خطاب به  
محمد اسمعیل خان باوند (امیر مزید سوادکوهی)

امیرالامراء العظام اسمعیل خان امیر تومان بشمول مراحم و الطاف خاطر همایون شاهنشاهی مفتخر و سرافراز بوده اند. [در این موقع که آن چاکر دولتخواه مأمور مازندران است مخصوصاً بصدور این ملفوقه فرمان واجب الاذعان امر و مقرر فرمائیم بطوری که حضوراً بآن فدوی جان نثار دستورالعمل و تعلیمات داده مقرر فرموده ایم باید اقدامات بعمل آورده و حکومت مازندران و رئیس نظام و تمام صاحب منصبان و افراد قشون آنجا خود را در انجام مقررات همایونی تابع او دانسته بهیچوجه تخلف نکنند تا آنکه مطابق تعلیمات تحقیقات نموده معلومات خود را بعرض برسانند تا ثانیاً امر قدرقدر همایونی در اجرای مقاصد و منظورات شاهنشاهی شرفصدور یافته از آن قرار بلا تاخیر بموقع اجرا گذارد قریح بندپی<sup>۱</sup> و سوار عبدالملکی<sup>۲</sup> و غیره آنچه را که عقب مانده اند فوراً و بلا تاخیر حرکت داده روانه استرآباد نموده موافق تعلیمات رفتار نموده در عهده شناسد ذی قعدہ ۱۳۲۶.]

[امضاء و مهر کوچک | محمدعلی شاه]

(۶)

سواد تلگراف سپهدار تنکابنی<sup>۳</sup> به محمد اسمعیل خان  
امیر تومان سوادکوهی توسط حجت الاسلام علامه<sup>۴</sup>

از تهران به بارفروش

۲۵ رجب توشقان ثیل ۱۳۲۷

نمره ۱۰۰

توسط جناب مستطاب شریعتمدار حجت الاسلام آقای علامه دامت برکاته [.]

۱. بندپی محلی است بین سوادکوه و منطقه بابل و آمل که ریاست آن با خانواده حلال خور (کدیور فعلی) بوده است.
۲. پس از شکست لطفعلی خان زند، آقا محمدخان یکی از سرداران لطفعلی خان را بنام ابدان خان عبدالملکی که از شعبات ایل مسنی فارس بودند به مازندران تبعید و در زاغه مرز کنار بحر خزر (نزدیک قره تپه و بهشهر) سکنی داد. در دوره مورد بحث این سند، فرمانده سروان عبدالملکی اعظام الملک و پس از او هژیرانزوله بودند.
۳. محمدولی خان سپهدار تنکابنی که بعدها به سپهسالار اعظم ملقب شد.
۴. از مجتهدین درجه اول بابل (بارفروش)، در آن ایام.

امیرالامراء المعظم محمد اسمعیل خان امیر تومان زیده مجده [.]  
از قراری که جناب مستطاب اجل آقای امیر منصور<sup>۱</sup> دام اقباله اظهار می دارند قریه  
قادی کلا<sup>۲</sup> را بدون اجازه ایشان بعد از وضع مالیات به دو هزار [و] سیصد تومان اجاره  
داده اند، و مال الاجاره را دریافت نموده و تاکنون نپرداخته اند. در این صورت فوراً وجه اجاره  
را برات تلگرافی نمائید و رضایت خاطر ایشان بعمل بیاورید والا مأمور مخصوص فرستاده  
خواهد شد که وجه را دریافت دارد.

سپه دار اعظم

محل مهر تلگراف خانه بارفروش

(۷)

سواد تلگراف جمعی از علمای بارفروش به محمد  
اسمعیل خان امیر تومان سوادکوهی توسط اشجع الملک<sup>۳</sup>

از بارفروش به ساری  
۹ برج حوت ۱۳۲۸<sup>۴</sup>

نمره ۲۰

توسط جناب جلالتمآب اجل آقای اشجع الملک خدمت جناب مستطاب اجل آقای  
امیر تومان زید اقباله الی حال رجاء اصلاح را از جناب آقای ظهیر الدوله<sup>۵</sup> داشتیم که فعلاً  
مایوس شدیم. اگر صلاح بدانید هیشی از آقایان دیگران برای اصلاح حرکت به ساری  
نمایند. چه صلاح می دانید فوری اطلاع دهید که تا زود است نزاعی نشود که صحیح نیست.  
دهاگو علامه؛ دهاگو سیف الاسلام<sup>۶</sup>؛ دهاگو محمد باقر لاریجانی؛ دهاگو سید صادق؛ دهاگو جعفر؛ دهاگو  
سید مهدی؛ دهاگو شیخ محمد؛ دهاگو حسین؛ دهاگو شیخ ابوالقاسم؛ دهاگو حسین غلامعلی.

محل مهر تلگراف خانه

۱. شاخه نشد  
۲. عام دهی است نزدیک قائم شهر قملی.  
۳. از رژیای نظامی چهار دانگه و از سرکردگان مازندران در منطقه به شهر محمد علی شاه در بارگشت به ایران در  
سال ۱۳۲۹ ه. ق. به او عنوان استانداری داد. ۴. ۹ اسفند ۱۳۲۸. ۱۷ صفر ۱۳۲۸ ق  
۵. حاکم وقت.  
۶. لقب یکی از علمای محترم و صالح بارفروش (بابل) بنام عبدالحسین ممالکی.

(۸)

سواد تلگراف سپهسالار تنکابنی به امیرمؤید

از تهران به یار فروش

نمره دولتی ۱۶۵

سواد تلگراف سپهسالار اعظم ریاست وزراء

در هر نقطه خاک، مازندران که می‌دانید هستند مخایره نمایند.

آقای امیرمؤید

از قرار راپورت‌های متواتر شما و پسرانتان دخالت در اقداماتی دارید که باعث جلب بعضی حوادث غیر مترقبه است خیرخواهانه و محض رعایت همولایتی و رفع تکلیف اظهار می‌شود به وصول این تلگراف مقتضی است حرکت کرده به تهران بیایید در فاصله ده روز اگر حرکت نکنید صریحاً بدانید مخالف امر دولت رفتار و در نزد اولیاء دولت مسئول خواهید بود.

۱۴ حوت؛ سپهسالار اعظم، ریاست وزراء، محل مهر تلگراف‌خانه

(۹)

گزارشی از بارفروش

از بارفروش شب ۲۴ حوت

آنچه در باطن معلوم است امیرمکرم<sup>۱</sup> و آقایان دروغ می‌گویند و ابداً در خیال اصلاح نیستند. دیروز کاغذی از اسمعیل خان به امیرمکرم رسید که ظفرالسلطنه<sup>۲</sup> در نارنج باغ است. سعیدالممالک<sup>۳</sup> را فرستاد نزد من برای اصلاح. من جواب دادم مقاصد مازندرانی‌ها را انجام نمایند [تا] حاضر اصلاح شویم. جواب دادند مقاصد را بنویسید. سه روزه مهلت گرفتیم، حالا چه می‌گویند [؟] جنگ کنیم یا خیر [؟]

امیرمکرم باین چهار نفر آقایان که در کار هستند نشان دادند گفتند حال بسم‌الله اصلاح نمایند. [ابتدا گفتند ابداً نباید اصلاح کرد، بعد مهلت خواستند. تاکنون صدوپنجاه نفر سوار

۱. میرزا محمدخان لاریجانی (امیرمکرم)، از متمولین خطه شمال و مدتی نیز حکمران استرآباد و گرگان بوده است.

نامبرده در سلطنت مظفرالدین‌شاه وزیر قورخانه بوده است.

۳. شناخته‌شده.

۲. شاهزاده عزیزالله میرزا ظفرالسلطنه.

و سرباز لاریجانی و بندپی به همه جهت با حاجی مهدی سلطان<sup>۱</sup> و پاره‌ای<sup>۲</sup> از صاحب‌منصب‌ها به ساری برای اسمعیل خان فرستادند. باز هم سرباز لاریجانی و بندپی را خبر کردند گویا از لاریجان چندان از امیرمکرم اطاعتی ندارند. دیگر با پاره‌ای<sup>۳</sup> از کسان خودش اعظام‌الدوله<sup>۴</sup> با پنجاه نفر از آمل به بارفروش آمد. امروز هم شیخ‌کبیر<sup>۵</sup> و آگنط<sup>۶</sup> تلگرافی به قونسول استرآباد کرده‌اند که چون ظفرالسلطنه با توپ آمده و ما استدعای اصلاح کردیم از تهران پذیرفته نشد، ظفرالسلطنه علما را برای اصلاح خواسته شما از طرف خود یا آگنط یا نماینده دیگر همراه علما بفرستید به ساری بروند.

عبدالعلی [تلگرافی]

[ظهور گزارش]

نمره ۴۸۸۶۷/۱۳۳۰۴

ارتم مهر | ورود بکابینه وزارت داخله ۲۷ شهر حوت ۱۳۲۸

(۱۰)

گزارشی از اشرف<sup>۵</sup>

از اشرف شب ۲۴ حوت

از قراری که قاصد تلگرافخانه اظهار می‌نماید ظفرالسلطنه و اسمعیل خان مشغول مذاکره اصلاح هستند. [اسمعیل خان گفته است تا پنجشنبه مهلت بدهید می‌روم ولی باید به من اطمینان بدهید که بعدها کسی با من کاری نداشته باشد.] از قرار مذکور چند روز است از طرف لاریجان و سوادکوه سواره و پیاده بحماییت اسمعیل خان می‌آیند. [

مهدی [تلگرافی]

۱. از رؤسای زیردست امیرمکرم لاریجانی.

۲. پسر امیرمکرم لاریجانی.

۳. بزرگترین و معروف‌ترین عالم بارفروش در آن ایام.

۴. نمایندگی قونسولگری.

۵. بهنهر.



(۱۱)

گزارش تلگرافی ساری به امیرمکرم

بارفروش ۲۵ حوت

امروز تلگرافی از ساری باین مضمون به امیرمکرم رسیده است؛ عبدالعزیز تلگرافی حضور مبارک حضرت اجل آقای امیرمکرم روحی فداه.الساعه [کذا] به اردوی امیرتومان صاحب منصب کل و سوارها نیامدند. هژیر با پنج سوار از آن طرف کشتند. دو نفر از طرف امیرتومان کشتند، همه قسم خاطر جمع باشید.

[در حاشیه]

این راپورت بهمین مضمون رسیده اگر عبارات آن مربوط نباشد احتمال دارد که ما بین گوینده و مخاطب عبارات آن معهود باشد.

[ظهر راپورت]

نمره شمال ۱۳۲۳۸/۴۹۰۳۸

[رقم مهر] ورود بکابینه وزارت داخله ۲۸ شهر حوت ۱۳۲۸ ضبط شود

(۱۲)

سواد تلگراف محمدرولی خان تنکابنی (رئیس الوزراء)

به قفرا السلطنه (حکمران مازندران)

از تهران به بارفروش

نمره ندارد

آقای اعظام الملک را هم به تهران روانه نمایند سرکردگان دیگر هم که در نارنج باغ اجتماع نموده‌اند متفرق و عموم متفق در اصلاح شوید در صورت پذیرفتن شرایط بنده چنانچه سابق عرض نموده بودم باز هم به موجب این تلگراف اطمینان می‌دهم همه کارهای آن صوب را به طور خاطرخواه و خیریت که صلاح عموم باشد انجام خواهم داد که خاطر عموم آقایان از نگرانی راحت شود و هر کسی به مشاغل خود وارد و مطمئن باشید چنانچه بخواهید بعضی تشبیهات به میان بیاورید دوباره مشکلات تولید شود از عهده بنده خارج

است و دیگر مزاحمتی نخواهم داشت.

سپهبدار اعظم

محل مهر تلگرافخانه بارفروش

(۱۳)

گزارش بارفروش راجع به محمد اسمعیل خان امیرتومان

راپورت بارفروش ۲۶ حوت ۱۳۲۹

دیروز خبر رسید که ظفر السلطنه با امیرتومان اصلاح کرده و فردا تماماً به ساری می‌روند و مقاصد اسمعیل خان را انجام کنند به سوادکوه برود. باز امروز امیر مکرم قریب هفتاد و پنج نفر سوار با علی قلی آقا یاور دامادش به ساری فرستاد و می‌گویند اعظام الدوله پسرش هم بعد می‌رود.

عبدالعلی

(۱۴)

گزارشی از اشرف

راپورت اشرف ۲۶ حوت

شاهزاده ظفر السلطنه بتوسط تلگرافات حضرت سردار اعظم اسمعیل خان امیرتومان را مطمئن و امیدوار نموده امروز اسمعیل خان با جمعیت بطرف ساری حرکت نمود. شاهزاده ظفر السلطنه هم فردا با اردو بطرف ساری می‌روند [.]

مهدی

(۱۵)

سواد تلگراف ظفر السلطنه حاکم مازنجران به رئیس الوزراء و وزارت جنگ

کبیه هم حضور والاحضرت اقدس نایب السلطنه<sup>۱</sup> دامت عظمته و مجلس مقدس دارالشورای ملی شبیدالله ارکانه بدعند.

امروز جناب مستطاب امیر مکرم و اسمعیل خان امیرتومان با کمال امیدواری از ساری حرکت کرده به بارفروش رفته و امیرتومان از آنجا به سوادکوه خواهد رفت این بنده از روز ورود به خاک مازندران بجز اطاعت و تسکین از این دو نفر چیزی ندیده‌ام بعضی عرایض و دل‌تنگی هم داشتند آنها را محق دیدم و انشاءالله در موقع [با]رفع آنها خواهد شد و در عالم وطن خواهی و ملت پرستی لازم می‌دانم که همه نوع مرحمت از طرف همه کس نسبت به آنها بشود.

بحمدالله مازندران در کمال انتظام و آسایش عمومی فراهم است.

ظفرالسلطنه

محل مهر تلگرافخانه

(۱۶)

### گزارش از ساری

راپورت ساری شب ۲۹ حوت

بحمدالله شهر و توابع امنیت کامل حاصل، سابقاً بواسطه انقلابات رعایا کمتر بشهر عبور می‌کردند آذوقه کم شده بود. حالیه آسایش عمومی حاصل شده، رعایا مرفه‌الحال به شهر می‌آیند. ارزاق فراوان و ارزان شده، اسمعیل خان امیرتومان جمعی از سوارهای خود را مرخص کرده به خانه‌های خود رفته‌اند. خودش هم حاضر است هر وقت حضرت ظفرالسلطنه بفرمایند به سوادکوه می‌رود اهالی نارنج باغ را هم خواسته‌اند که جمعیت خود را مرخص کرده امروز به شهر می‌آیند.

حبیب‌الله

[ظهر گزارش]

تصره ۴۹۲۷۳/۱۳۲۷۸

[رقم مهر] درود بکابینه وزارت داخله ۳۰ شهر حوت ۱۳۲۸

ضبط شود

(۱۷)

گزارش از قیروزکوه

رپورت قیروزکوه ۲۷ حوت

از فراری که از مازندران بتوانر خیر رسیده اشرار سوادکوهی با حضرات مازندرانی جنگی نموده سی نفر یا بیست و هشت نفر از طرف سوادکوهی ها و سه نفر از مازندرانی ها مقتول شدند. حکومت استرآباد هم به حضرات ملحق شده و چند نفر از سربازان سوادکوهی که گویا فرار کرده بودند در راه آنها را دیده پرسیده اند شما چرا آمدید [؟] جواب دادند که چون ما تفتنگ سرپر داشتیم اسمعیل خان ما را مرخص کرد. سرما و انقلاب این دو روزه یک نفر از اهل قریه طارش [؟] را که با یک الاغ از مازندران می آمد و شب در صحرا مانده بود در یک فرسخی قصبه با الاغ تلف کرد و پنج شش روز بواسطه کولاک و برف از هیچ طرف تردد نمی شد. ولی دو روز است از همه طرف آمد شد می شود.

اللهلی

[ظهر گزارش]

۴۹۲۵۱/۱۳۲۸۰

[رقم مهر] ورود بکابین وزارت داخله ۳۰ شهر حوت ۱۳۲۸

ملاحظه شد

(۱۸)

تلگراف سپهدار تنکابنی به شاهزاده ظفرالسلطنه

از گلستان تهران به ساری

سواد تلگراف سپهدار

حضرت والا ظفرالسلطنه حکمران، تلگرافی رسید که اعظام الملک را با جمعی از سوادکوهی فرستادید و با وجود چندین تلگراف که رفتن او صلاح نیست و به تهران بفرستید فی الحقیقه حضرت والا با انتظاراتی که داشتم و دائم خودتان را مقهور فرمودید و بنده تاکنون حفظ دوستی و ارادت نمودم حالا هم فوری بفرستید او را بگیرند به تهران بفرستند والا یکی دو اردو باید عزیمت به مازندران نماید و از این پیش نمی توانم جلوگیری نمایم

فی الحقیقه حضرات سوادکوهی کار را به جای خیلی نازک کشانیده‌اند و خود سری را از حد گذرانیده خاصه پس از تشریف‌فرمایی حضرت والا به مازندران. این تلگراف هم امروز صبح که شنبه پنجم به خط خودم زحمت داده‌ام و خیلی افسوس خوردم که چرا باید گول خورده و تغافل فرمائید که کار به اینجاها بکشد. حکومت سوادکوه هم از تهران معین و روانه می‌شود و قدغن فرموده که دیناری از مالیات آنجا دست نزنند که جمعی نوکر و مظفرخان<sup>۱</sup> همین چندروزه وارد می‌شوند.

(۱۹)

شکایت‌نامه‌ای از محمد اسماعیل خان باوند حاکم مازندران

یا علام الغیوب

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف امتع والا شاهنشاهزاده معظم آقای ظفرالسلطنه دامت شوکتها،

امروز بر تمام افراد ملت ایران لازم بل واجب است از امورات و از پیش‌آمد کارها و آنچه نتیجه و اثر خواهد بخشید به خوبی مستحضر شده قلب ملول خود را تسلی بدهد. لهذا محض تسکین قلب خودمان به حضور مبارکت عرض می‌داریم و مستدعی هستیم جواب عریض دعاگویان را به طور رأفت و شفقت که شیوه مرضیه حضرت اشرف والا است بفرمایند که ماها آسوده شده مشغول دعاگویی وجود مبارکت بشویم.

عرض اول: [۱]- آیا دولت علیه ایران رسماً مشروطه است یا مستبده؟

۲- در دولت مشروطه ادارات تفکیک است یا نه؟

۳- آیا قانون در مملکت ایران وضع شده و درکار هست یا خیر؟

۴- در صورتی که قانون باشد افراد ملت باید در مقابل قانون مطیع باشند یا نه؟

۵- هرگاه کسی از قانون مملکت سرپیچی کرد و اسباب صدمه و خسارات دولت و ملت را فراهم آورد مقصر است یا خیر؟

۶- آیا کسی که مقصر شد باید به قوه قهریه به مجازاتش رسانید یا نه؟

۷- حضرت اشرف والا امروز به حکم دولت علیه مأمور قلع و قمع اشرار و متمرذین و یاغیان دولت در مازندران شده‌اید، جناب امیرتومان از چند ماه قبل با جناب امیرمکرم دست بهم

۱. به نظر می‌رسد نام حاکم منصوب شده از سوی سیه‌دار تنکابی برای سرادکرد باشد.

داده بعد رشیدالسلطان<sup>۱</sup> را هم با خود یکی کرده، تمام مازندران را آتش زدند و باعث کرور خسارت ملت و دولت شدند علاوه بر خسارات مالی و جانی در حقیقت ناموس دولت را بردند یعنی نفی حکومت، نفی دولت است. بیچاره نظامالسلطان<sup>۲</sup> را با آن حال که قلم را از شرحش شرم آید، گرفتار کردند. ادارات دولتی را خراب و رؤسای ادارات را فرار دادند. قلعه بیگی رئیس نظمی را بعد از حبس در خانه محمدحاجی عباس<sup>۳</sup> که آتش بیار مستبدین است، اشجعالملک بعد از چند روز با منتها درجه خواری و ذلت روانه تهران نموده کم کم اغلب از ملانماهای این ملک و مفسدین مفرضین چه صدمه‌ها و خسارات به اهل مازندران وارد آوردند و تمام کسبه و تجار و سوار و سرباز دولت را از دولت منزجر و با متمرذین متحد نمودند. همه روزه مکتوب مقاصد به اطراف و به تراکمه و سایر اشرار ارسال می‌داشتند و کم کم متمرذین جور شده همه قسم بی‌شرفی و ظلم را در حق همه روا می‌داشتند. پست دولت را توقیف و کاغذجات را کشف نمودند و مکاری و هابرین را لخت کردند تمام گاو و گوسفند مردم [را] بردند. شب و روز در اطراف و دهات آنچه توانستند کردند و از بی‌شرفی چیزی فروگذار نکردند. مبلغ گزافی مالیات دولت را به قوه بی‌شرف‌های این ملک گرفته بلعیدند. چه بسا اشخاصی که در این چند ماه صاحب ثروت شدند. چه بسا بیچارگان و درماندگان که به نان شب محتاج شدند. آخر الامر جناب سالار مکرم<sup>۴</sup> که الحق این کارش سزاوار تمجید است، محض دولتخواهی سوار و قوه به نارنج باغ سوق داده اسباب دفاع را فراهم آورد. حال چهل روز است همه جور اسباب جنگ و دفاع موجود و فراهم مبلغ گزافی هم متضرر شد. تلگرافات به تهران و حسب الامر مرکز و دولت، حضرت اشرف والا مأمور به سرکوبی و قلع و قمع اشرار شدید، از استرآباد با قوه و توپ تشریف آوردید. نمی‌دانیم چه باعث شد به محض ورود، ترک جنگ و به کلمات نرم و لین جناب امیرتومان تسلیم شدید و حال از قرار معلوم امیرتومان را بی‌تقصیر و دولتخواه قلم‌دهید که ابدأ یاغی دولت نیست و تمام کارهایش از روی قانون و دولتخواهی است. بسیار خوب ماها را نمی‌رسد که توضیحات بخواهیم لیکن محض تسکین قلب خودمان عرض می‌کنیم، جناب امیرتومان جهت چه بود بعد از مراجعت از تهران مدتی در سوادکوه سوار جمع می‌کرد و از مکاری و

۱ رشیدالسلطان سردار. از طایفه اصائلو و از سرداران اهل ورامین. نامبرده در بازگشت محمدعلی شاه به ابرار از اطرافیان او بود.

۲ اشاره است به نظامالسلطان خواجه توری که بعداً لقب نظام‌الدوله گرفت. امیرمؤید در این واقعه او را بازداشت کرد و مدتی در سوادکوه زندانی نمود.

۳ شناخته نشد.

۴ سالار مکرم، ملک مرزیان میرآخور سپهدار تنکابنی.

عابرین تفنگ و فشنگ به زور می‌گرفت از برای چه به بارفروش آمد؟ بیچاره نظام‌السلطان را به حکم کی توقیف کرد و به آن رسوایی که دل هر بی‌شرفی سوزد، روانه‌اش کرد؟ از شخص نظام‌السلطان که نماینده رسمی دولت بود، چرا خلع سلاح کرد؟ در این مدت در بارفروش اسباب گرفتاری ملتی را فراهم آورد، این همه اسباب و پول و مال و گاو مردم بیچاره را سوارهای او چرا از اطراف و دهات و شهر بردند و خوردند؟ مالیات دولت را به اجازه و قبض کدام رئیس مالیه گرفتند؟ سبب چه شد به ساری تشریف آوردند؟ در این چند روز توقفش در ساری قریب ده هزار تومان به عمارات دولتی جهت چه بود خرابی وارد آوردند؟ معجز و ستونهای دور عمارات را که بناهای دولتی بود و سکناى حکومت، آدم‌های کی خراب کرد؟ در و پنجره‌های دیوانخانه را چگونه کردند به مردم فروختند و چه شد که وکیل ملت تا این درجه جسارت پیدا کرد و دوازده جفت از درهای دیوانخانه را به قیمت جزئی خرید؟ وکیل که حافظ حقوق و حدود است، دزد چرا؟ هرگاه بشماریم از این مطالب زیاده است. نه یک، نه صد، هزارها. حال صلح می‌کنید و حضرت اشرف والا هم تصدیق و امضاء می‌فرمائید. بسیار خوب بدانیم ضرر ندارد. آیا دولت علیه ایران با کدام دولت اجنبی جنگ داشت که حالا صلح می‌کند؟

جواب: بلی کسی که مکرر در حضور جمعی بگوید من پام را به طرف تخت و تاج ایران دراز کرده می‌خواهم او دولتی است مقتدر.

ثانیاً: خلع سلاح شد؟

ج: نمی‌شود.

یکصد قبضه تفنگ‌های پنج تیر و سه تیر که از دولت است، پس می‌دهد؟

ج: خیر.

تفنگ‌های شخصی نظام‌السلطان و بیست قبضه که از سوارهای امنیه گرفته بود داد؟

ج: ابدأ.

حال قریب دویست و پنجاه قبضه پنج تیر و سه تیر و ماوزر و اینهمه ورتدل بلند و کوتاه

[را] چه کرد؟

ج: دارد.

اقلاً یک کرور مالیات و خسارت مالی و تجارت علاوه بر جان بر مملکت وارد آورد، پس

خواهد داد؟

ج: احمقان قبول می‌کنند.

در استنطاق حاضر شد و بی‌تقصیری خود را ثابت می‌کند؟

ج: خیر حاضر نیست.

گذشته از این بی غرضی و بی طرفی جناب آقای ظهیرالدوله مثل آفتاب روشن است، جهت چه بود آن وجود محترم با آن حسن خلق و بی مرضی نتوانست با متمردين به طور صلح کنار بیاید یعنی وجدان پاکش گواهی نداد و از روی عقل و کیاست عاقبت کار را ملاحظه فرمود اما حضرت اشرف والا ماشاءالله به محض ورود دیگ بخشایشتان به جوش آمده گرگ آدمی خوار را میشم مظلوم خواندید. معلوم است عاقبت کار را از ما بهتر می دانید. لیکن عرض می کنم هیچ احمق و ابلهی دیگر اطمینان از جلوگیری دولت از یساعیان و متمردين نخواهد داشت در صورتی که امیرتومان با دو بست و چهل سوار نمی توانند چاره کنند. ایل جلیل بختیاری و قشقایی و کلهر و افشار و ورو که جای خود دارند. نه بر مرده بر زنده باید گریست. این را هم نگفته نگذاریم هرگاه امروز اسمعیل خان و سایر متمردين دولت در مازندران هزاران قسم یاد کنند. و حضرت اشرف والا هم مطمئن باشید اشخاص بی غرض و مدرک ابتدا قبول نخواهند کرد. و هر کسی که بین دولت و متمردين این سامان واسطه بشود اول خائن و مغرض است و هم می توان یقین کرد که دست غیر در کار است یعنی همان شخصی که مکرر امیرتومان خود گفته است پس:

نام نیکی گر بماند ز آدمی  
به کزو ماند سرای زرنگار

(۲۰)

گزارشی از ساری درباره حوادث نارنج باغ

داهرت ساری ۳ ربیع الاول

از قرار مذکور دیروز سه ساعت به غروب مانده در نارنج باغ جنگ شده پنج نفر از طرف سالار [مکرم] و دو نفر از طرف امیرتومان کشته شدند، صدق و کذب معلوم نیست. مهدی سلطان لاریجانی با چند نفر پیاده و سواره وارد ساری شد، امروز طرف اردوی امیرتومان حرکت کردند، چند نفر هم از بندپی بودند.

حبیب الله



(۲۱)

### گزارش واقعات نارنج باغ

از اشرف شب ۲۳ حوت

اخبار متواتره، در روز هفتم و هشتم ربیع الاول مابین اردوی اسمعیل خان و... جنگ شده از طرف اسمعیل خان دوتفر مقتول و چند نفر مجروح گردیده، مقتولین آنها را سالار مکرم دفن کردند. عصر روز هشتم... وارد نارنج باغ شده دیروز و امروز طرفین ساکت... به جنگ نکرده‌اند. اسمعیل خان در مذاکره اصلاح است... شود از قرار مذکور از فوج لاریجانی و بندی همه روزه... اسمعیل خان می‌روند.

مهدی

(۲۲)

### سواد مکتوب حاکم مازندران به محمد اسمعیل خان امیر تومان

۲۷ جمادی الثانی

نمره ۱۷۵

البته می‌دانید در این زمینه که اصلاح امور داخلی تا چه اندازه اهمیت دارد و همچنین عکس آن نتیجه و خیمه دارد در این موقع تاریک اصلاح مابین سرکرده‌های مازندران از کل و جزء ملزم مسائلی است لهذا از بدو ورود خودم الی کنون از آنجائی که کمال اطمینان را از نیک نفسی شما داشتم انتظار این را داشتم که از بابت هزبر خاقان اقدامات لازمه را کرده باشید ولیکن تاکنون اثری به ظهور نرسیده است اگر چه به اقتضای حکومت ممکن است که آنچه را صلاح حال داخله می‌دانم به مقتضیات وقت شخصاً جاری نمایم ولیکن در این مورد صرف‌نظر از اوامر حکومت کرده از شما خواهش می‌کنم که باید فوری در صدد اصلاح این امر برآید که نتیجه خیریه آن عاید شما خواهد بود و یقین شما در مقام پدری به اقتضای پدری رفتار نموده باشید و هزبر خاقان هم به وظیفه فرزنددی خودش. به جناب اشجع الملک هم نوشته‌ام اقدامات لازمه در این باب نموده که اصلاح ذات‌البین باشد والا مجبورم به اقتضای تکالیف حکومتی کاملاً اقدام به انجام آن نمایم. زیاده والسلام.

محل مهر ظفرالسلطنه در ظهر سند

(۲۳)

سواد مکتوب مقتدرالسلطان<sup>۱</sup> به امیرمکرم

از طرف به بارفروش

مورخه درم شهر دلو ابیتیل ۱۳۲۹

حضور مبارک حضرت اجل آقای امیرمکرم دامت شوکتها،  
جواب تلگراف مبارک به جناب آقای اشرفالملک عرضه داشتند چون تلگراف  
حضرت اقدس آقای سپهدار اعظم<sup>۲</sup> حکم بود دیگر تصرفی در عرض نشد و البته همه  
جهات مطلب را بهتر آنچه خاطر عالی سوق است که هر که چه قصدی دارد.

مقتدرالسلطان

(۲۴)

سواد تلگراف از شخصی بنام ابراهیم به امیر

مکرم و محمد اسمعیل خان امیرتومان

از تهران به بارفروش

خدمت ذی شرافت بندگان اجل امجد اکرم جنابان مستطابان آقای امیرمکرم و آقای  
امیرتومان دام اقبالهما همین قدر از اظهار لطف و توجه آقایان عرض تشکر نموده جواب  
مشروح را با تهییت عرض می نماید که بی جهت ضروری وارد نکرده باشد و منمنی است  
چنانچه به حضور مبارک بندگان حضرت آقا روحی فداء عرض و استدها نموده بودم مطالب  
خودتان را با پست مفصل مرقوم فرمائید تا در انجام آن اقدام شود.

اخلاصمند ابراهیم

محل مهر تلگرافخانه

مورخه ۸ دلوایتیل ۱۳۲۹<sup>۳</sup>

۱. مقتدرالسلطان آریابورد معاون ایالت مازندران اصل نامبرده از طایفه امیر ابراهیمی های کرمان است.

۲. محمدیور خان سکنس (سپهدار اعظم) ۳۳ بهمن ۱۲۹۹ ه.ش - ۲۹ محرم ۱۳۲۹ ه.ش

(۲۵)

سواد تلگراف محمدخان لاریجانی به محمداسماعیل خان امیرتومان

از مشهد به ساری

توسط جناب آقای اشجع الملک دام اقباله، خدمت جناب آقای امیرتومان دام اقباله، تلگراف جنابعالی پنج ساعت از شب ۲۷ رفته زیارت گردید مرقوم داشته‌اید علت حرکت از ساری به جهت متفرق کردن نارنج باغ، بلکه پس از رسیدن تلگراف تفریق با ایشان کرده یک نفر ایلمچی را مقتول و باقی را خلع اسلحه کردند. اولاً در باب تفریقشان قرار بود حضرت آقا را مأموریت کرده مراجعت بدهم بعد خود به ساری بیایم حضرات را متفرق نمایم نه آنها تحمل کردند که بنده به مأموریت رجعت آقا را از مشهد سرانجام بدهم، نه جنابعالی به واسطه واردات صبر فرمودید به هر حال با این همه انقلابات و روپرو شدن دو برادر و یک ایل با هم آنچه کردم حضرت آقا را به تلگرافخانه آورده به اتفاق هم به دو طرف تلگراف کنیم، آنها متفرق و شما مراجعت فرمائید حاضر نشده‌اند و صریح می‌فرمایند که من محال است در مازندران بمانم، خواه اصلاح کند و خواه ائتلاف نفوس شود به من ربطی ندارد هر کس که به این اندازه برای رفع ائتلاف نفوس و اصلاح یک مملکت حاضر نباشد معلوم است مقصود چیست. با این حال خیلی محل تمجب است نفاق و اقدامات رؤسا با امراء و جنابعالی همین قدر عرض می‌کنم که اگر همچو گمان فرمودید آن آقایان نارنج باغ از بنده گوش نکرده‌اند استدعا می‌کنم جنابعالی عرض این بنده را قبول فرمائید مراجعت فرمائید حضرت علمای ساری دامت برکاتهم را تلگراف کردم عاجلاً برای جلوگیری هر دو طرف حرکت فرمایند. بنده هم به کلی از حضرت آقا مأیوس شده امروز به بارفروش می‌روم و به اتفاق علمای اعلام بارفروش حرکت کرده به ساری خواهم آمد به همین قسم به حضرات امراء عظام به نارنج باغ هم تلگراف کردم البته قبول خواهند فرمود. جنابعالی هم خواهید پذیرفت.

صبح ۲۷ صفر

محمد لاریجانی

(۲۶)

سواد تلگراف حاج علی قلیخان تنکابنی<sup>۱</sup> به محمد اسمعیل خان باوند

از خرم‌آباد به ساری

فوری

نمره ندارد

خدمت جناب مستطاب اجل عالی آقای اسمعیل خان امیر تومان دام اقباله؛

پس از استعلام از سلامتی مزاج مبارکت زحمت می‌دهد خیلی بعید است از دانشمندی جنابعالی برای اجرای خیالات شخصی چهار نفر خواجوند<sup>۲</sup> دزد قطاع‌الطریق راضی شوید. در میان اهالی مازندران که همه اهل یک مملکت و برادر دینی هستند جنگ و خونریزی برپا شود. این رشته سردراز پیدا کند و به دست خود طرفین انهدام خود را باعث شوید. مملکت مازندران به واسطه این نفاق منهدم و ویران کنند. نصایح برادرانه و عرایض مشفقانه مخلص را پذیرفته این چهار نفر خواجوند را از خودتان دور فرمائید و خارج سازید به هر شکلی می‌دانید جنگ و هوش و به صلاح خویش اختتام دهید به هیأت اتفاق در خدمت دولت متبوعه خود اقدام ورزیده همچون تصور می‌کنم تمام این پیشامدها برای آمدن همان چهار نفر خواجوندی است. گول آنها را که جز فساد و اغراض شخصی ابداً خیالی ندارند نخورید و خودتان را در زحمت نیاندازید. در این ضیق وقت دولت نوکر کارآمد بسیار لازم و به مقربان طرف هم شرحی عرض کردم. هر چه زودتر صلاح به اقدام فرمائید دیر است.

مورخه ۱۱ حوت ایت‌نیل ۱۳۲۹

مهر تلگرافخانه

۱. حاج علی قلیخان تنکابنی از اطرافیان محمد ولی خان تنکابنی سپه‌دار اعظم.

۲. خواجوند از ایلهایی بوده است که توسط آقا محمدخان در مازندران سکنی داده شده‌اند. نامبردگان در این ایام از تابعین سالار فاتح (علی دیوسالار) بودند.

(۲۷)

تلگراف جمعی از مجتبعین نارنج باغ<sup>۱</sup> به رئیس الوزراء

نشان شیرخورشید و تاج  
اداره تلگراف دولت علیه ایران

از اشرف به [تهران]

نمبر ۱۷ عدد کلمات ۲۱۰ ۲۲ حوت

مقام منبع حضرت اشرف اقدس آقای سپهدار اعظم رئیس وزراء مدظله

متجاوز از یک ماه است چاکران در نارنج باغ مجتمع؛ مکرر تلگرافاً استدعای استعداد کافی فوری شده به ملاحظه آنکه مبدا مسامحه در امر اسباب تجری و قوه متمردین شود تعجیل شد اعزام قوه گردید اقدامات فوری نشده به حالیه جمعیت متمردین به هزار نفر رسید، روز به روز هم در تزیاید است. استعداد هم که در ملازمت حضرت اشرف والاشاهزاده ظفرالسلطنه دامت شوکتیه از امیرآباد رسید سیصد نفر سوار است. بعلاوه این قسم شنوائی و قدرتی که برای حاکم رسمی در مملکت است برای سردار و مأمور نیست. مفسدین هم از هر طبقه دستشان در کار است لاینقطع استعداد و کمک به متمردین می‌رسانند. عقیده چاکران این است حکومت مازندران تفویض به حضرت اشرف والا شود تا آنکه بتواند با کمال قدرتی که برای حاکم مملکت در انتظار خلق متصور است در دفع اشرار و نظم مملکت بکوشد. امروز کار مازندران اهمیت پیدا کرده حضرت اشرف آقای ظهیرالدوله ملتفت این نکته گردیدند که از حکومت استعفا دادند، در واقع از عهده ایشان خارج بود. اگر چنانچه در جواب این تلگراف تکلیف تعیین نشود بکلی مردم مایوس و اوضاع بهم خواهد خورد.

لطفعلی<sup>۲</sup>؛ غلام حسین؛ هژیو خاقان؛ اشرف‌الملک<sup>۳</sup>؛ علی‌اکبر؛ محمد اسمعیل<sup>۴</sup>؛ اعتماد نظام<sup>۵</sup>؛ اسدالله...

مهر تلگرافخانه تهران

۱. نارنج باغ

۲. لطفعلی خان سردار جلیل کلبادی. از نظر قدرت در مازندران بعد از امیرمؤید و از نظر ثروت او را بعد از شیخ

خزعلی از متمولترین زمینداران ایران دانسته‌اند. ۳. از خوانین بهشهر.

۴. سرشیب محمد اسمعیل خان اسفندانی. ۵. اعتماد نظام مدالو فرمانده سوارهای کورد مدالو.

(۲۸)

نامه حاج محسن کشمیری<sup>۱</sup> به وزیر داخله

نمره ۲۲۸

۲۵ شهر ربیع الاول ۱۳۲۹

از ساری به مازندران

مقام منبع مقدس بندگان وزارت جلیله داخله دامت عظمته؛

اخبارات همان است که همان هفته عرض و ارسال شده از هشتم شهر محرم دستخط زیارت نکردم عجالتاً وضع مازندران چندان خوب نیست اگر چه حضرت اشرف والا آقای ظفرالسلطنه به محض ورود نارنج باغ ترک جنگ و از در اصلاح پیش آمد. اسمعیل خان و حضرت والا وارد به ساری، اردوی نارنج باغ متفرق و چند نفری هم از سوارهای امیرتومان مرخص شده... و نواب والا به وضع مخصوصی رفتار می فرمایند ابداً با وضع امروزه و قانون درست نمی آید. ملاها و آقایان و اشخاصی که پارتی امیرتومان هستند غیر از خود... که در تهران کسی نیست دولت قوه‌ای ندارد. امیرتومان را تسلیم نخواهد آورد. نواب والا هم با امیرتومان دست بهم داده به قول امیرتومان کار می کنند از این قبیل سخنان بسیار گفته و ذهن مردم را مشوش می کند. نواب والا هم از روز ورود غیر از تعریف اسمعیل خان و بی تقصیری او سخنی نفرموده و مکرر به حضرات تجار و اعضاء و امرای مازندران فرموده اند که عدلیه و نظمی با ادارات دیگر لازم نیست من خود باید به میل خود حکم کنم ادارات یعنی چه؟ قانون یعنی چه؟ این مردم وحشی هستند قانون خوب نیست. اگر چه خود چاکر تا به امروز شرفیاب حضورشان نشده‌ام لیکن به وضع مخصوصی رفتار می کنند. دیروز هم یک نفر از نایب‌های این ملک را به فلک بسته چوب زیادی زدند از قرار تقریر مردم یک دو نفر را هم خیال مهار و سر بریدن دارند دیروز... ۲۴ هم امیرتومان با چهل پنجاه سوار وارد خانه آقا سیدصادق نیاکی<sup>۲</sup> که اول خائن ملک است منزل کرد. جناب سالار مکرم هم چون چاره نداشت بعد از زحمات و خسارات زیاد که همه چشم امید به مرکز و به حضرت اشرف والا داشتند و برعکس نتیجه بخشید. لهذا از بندرجز به طرف رشت و تهران عازم شد. شب ۱۹ هم اعلان به در و دیوار زده بودند به توسط رئیس پستخانه و ظهیرالسلطان<sup>۳</sup> آبه نظر مبارک حضرت اشرف والا رسید چاکر هم یک نمره بدست آورده لطفاً ارسال حضور مبارکت شد از قرار معلوم بعضی اشخاص را به تحریک مفسدین بردند و عتاب خطاب کردند از آن

۱. حاج محسن کشمیری بنظر گزارشگر و خفیدتویس می رسد.

۲. سید صادق نیاکی.

۳. ظاهراً ریسی دفتر ابالت مازندران و ظفرالسلطنه بوده است.

جمله امروز صبح اقتدار السلطان<sup>۱</sup> را مأمور فرموده بودند نزد آقای مشیرالتجار که با چاکر دوستی دارد که شما حسب الامر نواب والا و هیئت مدیره به حاج محسن بگوئید گذشته‌ها گذشت بعد از این هرگاه از این اعلان‌ها... معلوم است کار شماست و لازم هم نیست به تهران اطلاع بدهیم بر حسب اجازه مرکز هم کار نمی‌کنم خود ما توپ داریم بنده نیز به مشیرالتجار عرض کردم که خدمت بندگان نواب والا عرض کنند مسلک بنده مشروطه طلبی و قانون پرستی است. هرگاه حرفی داشته باشم خود زبانی عرض می‌کنم، اعلان لازم نیست. ثانیاً امروز، که می‌فرمائید قانون و ادارات لازم نیست معلوم است جان‌نثار یا غیر نباید حرف حق بزند چونکه ملجاء و دادرسی نیست الحق هیئت مدیره یا مدیره مرکب از شش نفر خائنین وطن و اول مغرضین شهر است و در اتاق نشسته به میل خودشان یعنی از روی غرض حکم می‌کنند نایب‌الحکومه هم اشجع الملک خائن است که صدمه و خسارت او بیش از امیرتومان است این است وضع مازندران و اینست اول دیپلمات دولت ایران به قول خود نواب والا که مکرر فرموده‌اند امروز تهران قوه نیست، قانون نیست، من چنین و من چنان، لابد دیگران هم به عرض مبارک خواهند رسانید و صدق عرایض چاکر معین خواهد شد از روز اول عرض کرده مجدداً عرض می‌کنم که ابدأ یا کسی غرضی ندارم و پارتی زبندی هم نیستیم مگر دوست و مطیع قانون و عدالت و دشمن ظلم و غرض.

خاکپای وطن پرستان حقیقت

حاج محسن کشمیری

[مهر] محسن، محسن. ۱۹۰۹، ۱۳۲۷

(۲۹)

تلگراف از شخصی به نام ابوالفضل<sup>۲</sup> به امیر مؤید و سردار جلیل

از بارفروش به ساری

قیض نمره ۲۹۹

مورخه

دوازدهم حمل

تلگراف از طرف ابوالفضل

جنابان مستطاب اجل آقای امیر مؤید و سردار جلیل دام اقبالهما

۱. از مأموران ایالتی ظفرالسلطنه حاکم مازندران.

۲. احضاران دارد این شخص ابوالفضل بشیرالدوله پیشکار ظفرالسلطنه حاکم مازندران باشد.

در این موقع که مصمم بر حرکت و ترک کردن مازندران لازم می‌دانم به شما دو برادر خودم اطلاع بدهم که آنچه در سلسله عملیات سه ماهه خودم مراجعه می‌کنم نسبت به اهالی مازندران عموماً و شخص شما خصوصاً هیچگونه سوء سلوکی که مقتضی این حسن پذیرائی باشد مشاهده نمی‌کنم و خیلی دوست می‌دارم که در هنگام مراجعت خودم از شما تودیع به عمل آورم. خویست به نزدیکترین وقت ممکنه را انتخاب و به من اطلاع بدهید تا من به تلگرافخانه آمده مشاورات لازمه را نموده خداحافظ گفته بروم.

ابوالفضل، محل مهر تلگرافخانه

(۳۰)

سواد تلگراف امیرمکرم به حجت‌الاسلام علامه

حضور حجة الاسلام آقای علامه و حضرات حجج الاسلامیه دامت برکاتهم الحمدلله وارد اشرف حاصل شد آنچه عاجز و ناله بود کردم و حضرت آقا دامت شوکت به شرط قسم می‌فرمایند محال است بماتم قبل از ورود مخلص به حضرت اشرف سپهدار اعظم مدظله تلگراف فرموده‌اند که نخواهم ماند مخلص هم راپرت تهران عرض داشتیم و تکلیف خواستم آقایان عظام هم البته تلگراف می‌فرمایند که این نعمت عظمی از این اهالی سلب نشود.

(۳۱)

سواد جواب علامه به امیرمکرم

حضور مبارک حضرت اشرف امیرمکرم مدظله، تلگراف مبارک زیارت از عدم قبول و اعراض حضرت آقای ظهیرالدوله دامت برکاته دعاگو و حجج‌الاسلام متعجب، اشرف و اعیان و تجار و اصناف پریشان خاطر عرض می‌کنند که به احکامات دولت و مجلس مقدس شورای ملی که زیر بنای دولت و ملت را دارد حضرت اشرف اقدس آقای نایب‌السلطنه و حضرت اشرف آقای سپهدار اعظم، علاوه خلق مازندران خیانت و گناهی نکرده همه قسم اطاعت نمودند علی‌ذلک مورد بی‌مرحمتی آقا شده‌اند که ابداً لطف نمی‌فرمائید لکن از رحمت الهی مایوس نیستم و عرض می‌کنم:



گشاید ز رحمت در دیگری

خداگر ز حکمت ببندد دری

دامی علامه

(۳۲)

سواد تلگراف وزارت جنگ به علمای ساری و سالار مکرم،

امیر دیوان<sup>۱</sup> و... در جواب تلگراف آنان مبتنی بر حسن

مراقبت امیرمؤید رئیس قشون مازندران

از تهران به ساری

مورخه ۱۰ برج میزان

سواد تلگراف از طرف وزارت جنگ

جنابان مستظایان شریعتمداران آقایان علمای عظام سلمهم الله عالی و آقایان سالار مکرم  
و امیر دیوان و مستوفیان و صاحب منصبان سواره کردار ترک

تلگرافی که مشعر بر حسن مراقبت آقای امیرمؤید رئیس قشون مازندران در انتظام  
امورات آن صفحه و آسایش اهالی مخایره نموده بودید وصول و از هیئت محترم وزراء عظام  
ملاحظه شده علاوه بر سابقه اطلاعاتی که در کفایت و کاردانی ایشان حاصل بود در این  
موقع نیز وصول تلگراف جنابان مستظایان عالی موجب مزید اعتماد و اطمینان اولیای دولت  
به مراتب خدمتگزاری معزی الیه گردیده. در ضمن که ابلاغ مراحم و توجهات دولت  
مخصوصاً مراتب رضایتمندی و خرسندی خودم را از حسن سلوک و رفتار ایشان اظهار  
می نمایم بدیهی است با توجه به اهتمام مخصوص اولیای دولت در تمجید نظم و امنیت و  
تکمیل موجبات و آسایش اهالی آن حدود از مثل آقای امیرمؤید که همیشه در خدمتگزاری  
با کمال خلوص و راستی امتحان داده و از نیات مقاصد حسن دولت کاملاً واقف و مستحضر  
است غیر از این انتظار نمی رود. البته باید بعد از این که در انجام وظایف مرجوعه به خود  
کمال مراقبت را اهتمام به عمل آورده و از اظهار مراتب دولتخواهی و مراتب کاردانی و  
کفایت خویش بیش از پیش خاطر اولیاء دولت را قرین رضایتمندی و خرسندی داده.

نمره ۲۳۹۰

وزارت جنگ

محل مهر تلگرافخانه ساری

۱. امیر دیوان رمدانی (مدانلو) مدتی معاون استانداری مازندران بوده است از بقایای اهلات کرد و شریک در ایام  
صفویه که در مازندران اسکان داده شدند.

(۳۳)

وکالتنامه علما و اعیان و اشراف و... مازندران به  
امیر تومان محمد اسماعیل خان سوادکوهی در ارتباط با ورود  
محمد علی شاه به مازندران و مسائل ناشی از آن

هو الله تعالی شانه

در هر وقتی از اوقات و وقوع اتفاقات مهمه ولایتی برای حفظ حدود عامه مردم لازم است که عقلای ولایت جمیعاً نیک و بد پیش آمد و نتیجه آن وقوعات را از راه بصیرت و خرده بینی درست ملاحظه و مذاقه نموده باتفاق آراء و مجتمعاً اقدامی نمایند که در ماحصل آن اقدام آنچه بروز و ظهور کند عموم اهالی سهم و شریک باشند چون در امورات قوری و فوتی طریقه اجتماع غیر ممکن و جلوگیری از آن امورات صعب و سخت شده مقصود حاصل نخواهد شد لهذا برای موفقیت کامله در کلیه مواقع داعیان و بندگان که اهالی مازندران و مازندران هستند به رضای خاطر از روی بصیرت و امتحان در کمال اطمینان قلبی و اعتماد معنوی جناب جلالتمآب اجل امجد اکرم آقای اسماعیل خان امیر تومان که به صفات مستحسنه دیانت و امانت و علم و عمل متصف از همه جهات آراسته و مجربست به وکالت تامه ثابت از طرف عامه خلق و طبقات حجج اسلام و شاهزادگان عظام اعیان و اشراف و کسبه و تجار و سلسله اهل نظام منتخب نمودیم که به موجب همین انتخاب نامه محترمه جناب معزی الیه در کلیات و جزئیات امورات و اتفاقات ولایتی آنچه صلاح دانند و اقدام فرمایند مختار و مجاز می باشند و مخصوصاً در فقره تشریف فرمایی موکب همایون اعلیحضرت قدر قدرت اقدس شهریاری و در تکالیف وارده و اقدامات لازمه مازندرانیان و مذاکرات مقتضیه با مرکز و با اردوی همایونی و وظایف استفهام از نیات خیریه و ملت پرستی اعلیحضرت ظل الهی آنچه عنوان و اقدام بفرمایند بدون استثناء اقوال و افعال جناب معزی الیه قول و فعل عموم اهالی مازندران است. احدی از آحاد حق رد و ایراد نداشته و نخواهیم داشت فقط نکته ای که لازم الرعایه و جالب و حشت است عبور اردوی دولتی از وسط ایالت است که اگر رعایت نظام و قانون سوق الجیشی منظور نشود هم صعب العبور و هم موجب خرابی خواهد شد متمنی هستیم که در صورت امکان خط حرکت اردوی معظم از داخل ولایت تغییر داده شود و در صورت حتم ترتیبات صحیح در خصوص تهیه سورسات و رعایت کامل در قواعد سوقیه منظور گردد به تاریخ بیست و هفتم رجب المرجب تنگوزیل ۱۳۲۹

[وکالتنامه فوق مههور به ۳۸ مهر است که برخی از آن میان به شرح ذیل است:]

- ۱- الراجی عبدالرحمن بن عبدالرحیم؛ ۲- اشجع الملک؛ ۳- احتشام نظام؛ ۴- اعظام السلطنه؛ ۵- هو العلی الاکبر؛ ۶- ملاسه الله؛ ۷- سلام علی ابراهیم؛ ۸- محسن؛ ۹- شمس العلماء؛ ۱۰- شیخ العرأتین؛ ۱۱- هلینقی؛ ۱۲- الواتی بالله الفنی محمد؛ ۱۳- مصطفی الحسینی محمد بن کاظم

(۳۴)

### سواد تلگراف از ساری به وزارت جنگ

از ساری به تهران

توسط جناب مستطاب اجل آقای نورالملک<sup>۴</sup> دام اقباله

به مقام منبع وزارت جلیله جنگ دامت شوکته،

تلگرافی اخیراً از ژنرال قنولگری استرآباد<sup>۵</sup> به حضرت والا شاهزاده مظفرالسلطنه

حکمران مازندران رسیده که عیناً به عرض می‌رساند؛

خدمت حضرت مستطاب اشرف والا دوست محترم شاهزاده مظفرالسلطنه حکمران

مازندران دامت شوکته، به موجب قراردادی که شده بود ملاقات آقای اسمعیل خان

امیرتومان با دوستدار برای بعضی ملاحظات لازم بود، چه باعث شد که تا به حال به

استرآباد تشریف نیآورده‌اند؟ امیدواریم که جناب معزی‌الیه را روانه استرآباد فرمائید که

ملاقات حاصل شود. قنول روس ایوانف چون حضرت حکمران اصرار به رفتن

می‌فرمایند جواب عرض شد که تا از طرف اولیاء امور مستقیماً به شخص بنده امر مقرر

نشود خود را مجاز به رفتن در استرآباد نمی‌دانم. جواب فرمودند خدمت وزراء مسئول از

این بابت تلگراف می‌کنیم، منتظر جواب می‌باشیم.

بعداً تلگرافی از طرف وزارت جلیله امور خارجه رسید که عیناً مفاد آن را معروض دارد:

۱. از سرکردگان مازندران.

۲. از شاهزادگان قاجار که مدتی حکمران باذفروش (بایل) بوده است.

۳. شیخ علی شیخ العرافین بدر زین العابدین ره‌نما مدیر روزنامه «ایرانه» و محمدرضا تجدد. شیخ علی

شیخ العرافین پسر حاجی شیخ زین‌العابدین مجتهد مازندرانی ساکن کربلا مؤلف رجاء عصر مشروطیت درباره

او می‌نویسد: «در نزد حکومت عثمانی و در بغداد معروفیت و مقام مخصوص دارد». ص ۷۷ (سید ابوالحسن

علوی).

۴. نورالملک (لواءالملک) کارگزار وزارت امور خارجه در شمال

۵. ایرانف

با استخراج رمز وزارت جلیله امور خارجه به توسط کارگزاری حکومت جلیله، سفیر روس می‌گوید اوقاتی که آقای ظفرالسلطنه هازم مازندران بودند بنا به شکایاتی که متوالیاً از قنصل روس می‌رسید گفته شد اسمعیل خان امیرتومان در مازندران اسباب رحمت خواهد شد و باید در آنجا نباشد و مرجوعیت نداشته باشد. آقای ظفرالسلطنه به من اطمینان دادند و خواهش کردند که اصلاح نمایند و به وسیله ملاقات اسمعیل خان از مأمورین دولت رفع هرگونه سوءظن خواهد شد. در صورتی که تاکنون اسمعیل خان به استرآباد نرفته و از قنصل روس ملاقات نکرده به علاوه بر ضد دولت روس اظهاراتی می‌نمایند و حال آنکه حضرت والا قول دادند و هنوز نتیجه آن معلوم نشده با وضع امروز که پلیسک اولیاء دولت به موافقت رسالت است این رفتار و بیانات چه اثر فوری نامطلوب خواهد داشت. چرا به قرارداد خودتان بنا نکرده‌اید. البته هرچه زودتر اسمعیل خان به استرآباد رفته از قنصل ملاقات و اظهار لطف نماید و نتیجه را تلگرافاً اطلاع دهید.

سیزدهم جمادی الثانی هزارویصدوسی.

نمره ۱۷۱۳

وثوق الدوله وزیر امور خارجه

(۳۵)

تلگراف وزارت جنگ به امیرتومان محمد اسمعیل خان باوند

سواد تلگراف از طرف وزارت جنگ

از تهران به بارفروش ۱۶ برج ۱۳۳۰

ریاست قشون مازندران

در باب عزیمت خودتان به استرآباد و ملاقات با قنصل دولت بهیه روس شرحی را که در ضمن تلگراف مشروح مخابره کرده بودید ملاحظه کرده از مندرجات آن مستحضر شدم رفتن شما به استرآباد ضرری نخواهد داشت البته همانطور که از وزارت جلیله امور خارجه تلگراف کرده و دستورالعمل داده‌اند بروید و در ملاقات با قنصل طبق تعلیمات وزارتخانه مذکوره اقدام نمایید.

وزارت جنگ محل مهر تلگرافخانه بارفروش

(۳۶)

سواد تلگراف سردار محتشم<sup>۱</sup> (وزیر جنگ) به امیرمؤید

از تهران به ساری  
فوری

مورخه ۳۰ برج میزان ۱۳۳۰  
وزارت جنگ

به طوری که اطلاع داده سالارالدوله<sup>۲</sup> بعد از این که از کرمانشاه و کردستان از مقاومت اردوی دولتی مایوس شد از کردستان فراراً به سمت همدان آمده و مطابق راپورت‌هایاصله خط حرکت او را از ینگی امام راه قزوین اطلاع داده‌اند. چون محتمل است به سمت مازندران بیایند و لازم است از او جلوگیری شود لزوماً می‌نویسم جنابعالی باید چنانکه تاکنون مقام دولتخواهی خودتان را در پیشگاه دولت منظور داشته‌اید این موقع افرادی حاضر و اردوی منظمی تشکیل بدهید که چنانچه از صفحات غرب جمعیت او مضمحل و معدوم شده است اگر به آن حدود بیاید در قلع و قمع او اقدام شده این خدمت را جنابعالی انجام بدهید و اعتماد و مرحمت دولت را نسبت به خودتان تکمیل نمائید از اردوی دولتی هم با قوای منظم کامل از مرکز تهیه و اعزام شده است در تعاقب خواهد بود.

غلامحسین بختیاری، وزارت جنگ

محل مهر تلگرافخانه

(۳۷)

سواد تلگراف وزارت جنگ به امیرتومان محمداسماعیل خان

تهران به ساری

۱۸ برج جدی

ریاست قشون مازندران

دو فقره تلگرافی در باب سالارالدوله مخابره کرده بودید ملاحظه برای اطلاع شما می‌نویسم که سالارالدوله تسلیم دولت شده شاید از راه مازندران حرکت نماید. از این که راپورت این قضیه را داده‌اید تکلیف نظامی شما همین بود. از مراقبت که در امورات راجعه به خودتان دارید رضامندی حاصل است.

نمره ۳۵۴۰ وزارت جنگ

محل مهر تلگرافخانه

۲ ابرائیمح سیرزا سالارالدوله فرزند مظفرالدین‌شاه قاجار.

۱. غلامحسین بختیاری سردار محتشم.

(۳۸)

سواد مکتوب حکمران سمنان و دامغان به وزارت داخله

وزارت داخله

مورخه ۲ شهر محرم الحرام

حکومت سمنان و دامغان

۱۳۳۰

قریانت شوم، رفیمه کریمه جنابعالی عز و صول ارزانی، از مزده سلامتی بندگان عالی قرین مسرت و انبساط گردید. ابتدا از ارادت و ارتباط و خلوص قدیمی صمیمی خود قواموش نمی‌کنم.

ممکن نشود همه کس را به روزگار ارادت مگر مرا که همان مهر اول است زیادت مخصوصاً در این اوقات و در مجلسی ذکر خیر جنابعالی را با رؤسای مجاهدین که مأمور استرآباد و از آنجا به مازندران هستند نموده‌ام و حقیقت مطلب را به آنها فهمانیده‌ام و از وقوع مجاورت و فتح ابواب مکاتبت خرسندم اما در باب آقاخان سلطان سنگری تعجب دارم که چگونه امر را بر حضرتعالی مشتبه کرده است که او را تصدیق فرمودید. لازم است شرح حالات ایشان را به عرض برساند.

از بدو خروج محمدعلی میرزا، در صورتی که هنوز در سمنان خبری نشده، شخص آقاخان سلطان فشنگ‌های دولتی را روز روشن از گاری پست برد و پس از آن در همه جا در جزء اتباع محمدعلی میرزا شرارت‌ها کرده‌اند و بعد از فراری شدن مشارالیه هم دست از شرارت برنداشته با جمعیتی از قطاع‌الطریق‌ها به ایران آمده و مال‌التجاره را زدند سیم تلگراف را بریدند و از آنجا حمله به سنگسر برده و در مقابل سوار و سرباز دولتی سنگر بستند هشت روز جنگ نمودند چهار پنج هزار تومان از بابت مخارج سوار و سرباز ائتلاف فشنگ به دولت خسارت که از آن جمله آقاخان سلطان و برادرهای اوست و موافق احکام اکید دولتی باید در دستگیری و قلع و قمع آنها اقدام گردد و استخلاص محمدآقا رمزدان هم به سهولت نمی‌شود و محکوم به قتل هستند مع‌التفصیل اگر میل جنابعالی این است که از آنها عفو و اغماض شود باید هر چه تفنگ‌های دولتی پیش ایشان است، رد کنند و آنچه اموالی که گرفته‌اند نیز رد کنند آنوقت جنابعالی مشغول اقدامات و مذاکرات به مرکز می‌شوید بلکه انشاءالله از تقصیرات آنها اغماض فرمایند و آسوده شوند والا راه دیگری ندارد.

مهر حکومت سمنان و دامغان